

کسب مقام اول

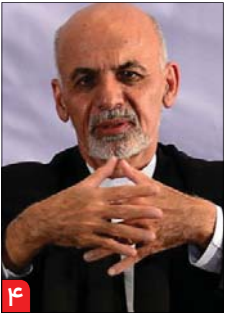
شاگردان لیسه عترت در مسابقات قرآنی مشکات

نورعلی امامی؛مسوول مجمع قرآنی لیسه عترت گفت: در چهارمین دور مسابقات قرآنی موسسه مشکات «بهدی حیدری» متعلم صنف سوم لیسه عترت و «منصوره حسینی» متعلم صنف چهارم این لیسه، مقام اول را بدست آوردند.



تاکید رئیس جمهور بر نقش شوراها و ولایتی در روند حکومتداری محلی

هیچ فردی از اعضای شوراها و ولایتی بصورت انفرادی نقش و صلاحیت نظارتی و حق مداخله در امور ادارات ولایت را ندارد و هر عضو شورای ولایتی که در امور ادارات ولایت اعمال نفوذ و مداخله نماید، مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد.



هزینه‌های سنگین خطای رهبر خشم رهروان، خرسندی رقیبان

◆ ناظران مسایل اجتماعی، شدت و گستره واکنش‌ها به اظهارات این رهبر سیاسی و جهادی را بی سابقه توصیف کرده و گفته اند که این امر، اگرچه توسط مردم مورد انتظار بود؛ اما زمینه‌هایی را نیز برای سودجویی رقبای سیاسی آقای محقق فراهم کرده است.

در صفحه ۲



پاریس در خون، جهان در شوک تروریزم مرزها را درهم شکست

یادداشت

جنبش عدالت خواهی و واکنش رهبران قومی

سیدمظفر دره صوفی

شهادت تعدادی از هموطنان توسط گروهک تروریستی داعش، موج اعتراضی عظیمی را برانگیخت. این حرکت چنان سهمگین و پر صلابت بود که بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان را به بهت و حیرت فرو برد. پژوهشگرانی که تاریخ جنبش‌های اجتماعی افغانستان را مطالعه کرده اند بدین باورند که حرکتی بدین سان فرا گیر، منسجم و هدفمند در تاریخ افغانستان اگر بی سابقه نباشد کم سابقه است.

از گذشته‌های دور که بگذریم و به چهارده سال اخیر توجه و تمرکز صورت گیرد، برغم همه ناملازمات، حق کشی‌ها و ستمگری‌های آشکار و نهانی که وجود داشت، حرکتی چنین سهمگین و پر صلابت ایجاد نشد و چنین انسجامی میان طیف‌های گوناگون اجتماعی شکل نگرفت. از این جهت است که این پرسش بوجود آمده است که علت‌ها یا دلایل چنین حرکت خودجوش چه بود که گروه‌های گوناگون اجتماعی را به حرکت واداشت و بیم‌ها و امیدهای فراوانی را ایجاد کرد. عمده‌ترین و محوری‌ترین شعار این حرکت مهم اجتماعی اجرای عدالت بود. عدالتی که در سال‌های متمادی مهجور و مظلوم و در حاشیه قرار گرفته بود. تنها عدالتی که لقلقه زبان سیاست‌مداران کشور بود، عدالت قومی بود که به هیچ عنوان معنای رسای عدالت خواهی از آن مستفاد نمی‌شود. عدالت‌راستین معیار و محک همه حکومت‌ها در تمام زمان و در همه مکان‌ها است. اما عدالت به تعریف وسیع هیچ‌گاه محک و داور حکومت افغانستان نبوده است، هم‌اکنون نیز مخدوش‌ترین و مهجورترین واژه در نزد حکومت‌گران است. فریاد عدالت خواهی کنونی اما از لون و رنگ دیگر است. گرچه این حرکت اعتراضی را باید جوشش خون شهیدان بی‌گناهی دانست که توسط گروهک مزدور داعش به شهادت رسیدند. اما بی‌گمان که این جنبش در حد خون خواهی باقی نخواهد ماند و دامن حکومت‌گران و رهبران را نیز خواهد گرفت و آتش در خرمن زیاده خواهی‌ها و فزون طلبی‌های آنها خواهد زد.

گرچه این موج پرخروش بی سابقه است، اما تحلیل‌گران و آگاهان، عواملی چندی را در ایجاد این جنبش فراگیر اجتماعی دخیل و موثر می‌دانند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. پاره‌ای از تحلیل‌گران بدین باورند که گرچه در افغانستان سخن از دموکراسی می‌رفت و می‌رود، اما واقعیت آنست که قدرت سیاسی در انحصار دو طیف قرار داشت و دارد. طیفی که از برکت جهاد ثروت‌هنگفتی گرد آورده و خود را محق قدرت می‌دانند و طیف دیگری که توسط غربی‌ها به افغانستان گسیل داشته شده‌اند. تبانی و توافق نهانی و آشکار این دو طیف به ظاهر مخالف، قدرت سیاسی را به صورت انحصاری در اختیار آنها قرار داده، نه صدای اعتراضی را می‌شنیدند و نه هم به انتقادهای جدی گوش می‌سپردند و نه هم به مطالبات برحق مردم توجه می‌کردند. طیفی خود را وارث جهاد می‌دانستند اعتراض به خود را اعتراض به مجاهدان می‌پنداشتند. طیف دیگری که، قدرت‌های غربی چون موش به انبار دارایی‌های مردم انداخته‌اند جز فساد و رشوه ستانی خدمتی از آنها به چشم نیامده است. شکرگرد این دو طیف قدرت نیز آن بود که با برافروختن و شعله ور کردن آتش نفاق قومی، بسیاری از جوانان و تحصیل‌یافتگان کشور را مصروف و مشغول بازی مضحک و بی پایه کرده بودند تا ... ادامه در صفحه ۴

۱۱ سپتامبر کوچک در پاریس

به نظر می‌رسد این یازده سپتامبر کوچک با هدف ریل گذاری برای اهداف زیر به وقوع پیوسته است:

- ۱- فرصت سازی برای تصحیح اشتباه محاسباتی امریکا در تغییر ثقل استراتژیک از غرب آسیا به شرق آسیا
- ۲- تقویت تکیه گاه‌های امریکا در منطقه (رژیم صهیونیستی، عربستان و ترکیه) که برای پر کردن خلأ قدرت در منطقه به جای امریکا ناکارآمد بوده‌اند.
- ۳- مهار و مقابله با ایران، مقاومت و روسیه که به سرعت در حال پر کردن خلأ قدرت در منطقه هستند.
- ۴- مهار انتفاضه سوم که تهدید بسیار جدی و مهم برای رژیم صهیونیستی شده است خصوصاً با توجه به این که در این انتفاضه، سلاح گرم در حال جایگزین شدن به جای سلاح سرد است.
- ۵- امکان ائتلاف سازی به ظاهر مشروع و کم هزینه به رهبری امریکا جهت بازگشت به منطقه
- ۶- به هم زدن روال بازی یک طرفه در مذاکرات وین و ایجاد بازی جدید در پازل امریکا پیرامون موضوع سوریه و مسائل منطقه‌ای
- جمع بندی: بنا بر بررسی‌هایی که به آن‌ها اشاره شد؛ به نظر می‌رسد یازده سپتامبر کوچک بسترسازی مهمی است که از طریق جنگ شناختی و توسل به اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی، علاوه بر این که ائتلاف سازی با محوریت امریکا را سهل الوصول و امکان پذیر می‌سازد؛ بار دیگر می‌تواند نقش مدیریت و رهبری امریکا را احیا کند.

مدیریت ادراک و برداشت، این خط را القا کند که اقدامات تروریستی در پاریس در امتداد پاسخ متقابل این جریان در ساقط کردن هواپیمای روسی در سینا بوده و بعد از این هم در روسیه حمام خون به راه خواهد افتاد؛ در ارزیابی این نگاه نمی‌توان ردی بر این نگاه اعلام کرد اما می‌شود گفت این موضوع همه‌ی ماجرا و چیستی و چرایی آن نیست. نگاه سوم؛ یازده سپتامبر کوچک: در نگاه سوم به نظر می‌رسد سرویس‌های اطلاعاتی غرب با محوریت امریکا، رژیم صهیونیستی و آل سعود با پیاده سازی یک مدل کوچک از یازده سپتامبر به دنبال ریل گذاری جدید جهت ترتیبات امنیتی نوینی در منطقه هستند. به ویژه این که کارآمدی ائتلاف چهارگانه علیه تروریست‌های تکفیری دست آموز از یک سو و شکست ائتلاف استیجاری در یمن از سوی دیگر توازن راهبردی در منطقه را بر هم زده و ترتیبات جدید امنیتی را در منطقه پیاده می‌سازد که برآیند آن می‌تواند منجر به استقرار نظم جدیدی در منطقه شود و همان طور که روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال پیش از این گفته بود؛ سوریه کلید تغییر نظم جدید منطقه است. در این راستا امپراطوری رسانه‌ای نظام سلطه در پی مشابهت سازی و این همانی بین این حادثه با حادثه یازده سپتامبر است.

در این خصوص روزنامه نیویورک تایمز نوشت: حمله پاریس دومین حمله مرگبار تروریستی به غرب پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

رضا سراج، کارشناس مسائل استراتژیک طی یادداشتی نوشت: به نظر می‌رسد سرویس‌های اطلاعاتی غرب با محوریت امریکا، رژیم صهیونیستی و آل سعود با پیاده سازی یک مدل کوچک از ۱۱ سپتامبر به دنبال ریل گذاری جدید جهت ترتیبات امنیتی نوینی در منطقه هستند. به گزارش آوا به نقل از «انسیم»، رضا سراج طی یادداشتی نوشت:

وقایع زنجیره‌ای و تروریستی در پاریس به یک بحران امنیتی برای فرانسه و و فراتر از این کشور تبدیل شد. در ورای وقایع تروریستی فرانسه، به نظر می‌رسد جریانی هدفمند و هوشمند به دنبال مدیریت ادراک و برداشت برای کشورها و افکار عمومی جهانی است. از این رو تبیین چرایی و چیستی وقایع زنجیره‌ای و تروریستی فرانسه، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در این راستا ۳ نگاه را میتوان متصور بود:

نگاه اول؛ غافلگیری اطلاعاتی در فرانسه: در نگاه اول، وقایع زنجیره‌ای و تروریستی در پاریس، بخشی از غافلگیری اطلاعاتی سرویس‌های اطلاعاتی در غرب بوده است. با توجه به پیشرفت‌های نرم افزاری سرویس‌های اطلاعاتی غرب و تمرکز اطلاعاتی با توجه به حوادثی که در گذشته در فرانسه اتفاق افتاده این نگاه نمی‌تواند چندان مورد وثوق باشد.

نگاه دوم؛ اقدام انفعالی و متقابل تروریست‌ها: همان طور که جریان تروریستی داعش سعی دارد در جریان

باشندگان هرات: طالبان برادران ما نیستند

خودشان در صحنه حاضر خواهند شد. در همین حال سید وحید قتالی، رئیس پیشین شورای ولایتی هرات به جمع معترضین پیوست و خبر از آغاز فصل جدیدی از مقابله با ناامنی، فساد و بی عدالتی داد. وی گفت که در حال حاضر مردمی که در این روزها برای دست یافتن به کمترین حق انسانی خود وارد خیابانها شده‌اند، دیگر تحمل ناامنی و گروه‌های تروریستی را ندارند.

وحید قتالی ضمن اشاره به بهار عربی که در کشورهای عربی راه افتاده بود افزود که دولت از این پس باید شاهد بهار افغانستانی باشد و باید بداند که مردم در انتظار کوچکترین اشتباه آنان هستند تا ... ادامه در صفحه ۲

به خیابانها آمده و شعار مرگ بر تروریست سر دادند. تظاهرکنندگان در شعارهای خود گفتند که تروریستان و مخصوصاً طالبان برادران ما نیستند و دولت باید انتقام خون شهدای ما را از آنان بگیرد.

آنان در شعارهایشان خواستار عدالت و امنیت شدند. تظاهرکنندگان حکومت را به سهل انگاری و بی کفایتی در مدیریت کشور متهم کردند.

«مرگ بر داعش و مرگ بر طالبان» از دیگر شعارهایی بود که آنان سردادند.

این مظاهره کنندگان گفتند که مردم افغانستان دیگر تحمل فعالیتهای گروه‌های تروریستی را نداشته و اگر دولت کاری در این زمینه انجام ندهد پس از این مردم

در ادامه تجمعات و گردهمایی‌ها در واکنش به سربریدن هفت مسافر ربوده شده در زابل، باشندگان هرات نیز ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستان در تجمعی گسترده مقابل ساختمان اداری مقام ولایت هرات خواهان اجرایی شدن وعده‌هایی هستند که سردمداران حکومت در زمان کمپاین انتخاباتی خود داده‌اند.

به گزارش خبرگزاری آوا، آنان خشم و انزجار خود را از مخالفین و منافقین اعلام کرده و می‌گویند که اگر دولت اقدامی نکند، قیام کرده و انقلاب می‌کنند.

بیش از ده هزار تن از مردم ولایت هرات صبح روز شنبه در یک تظاهرات وسیع، در محکومیت به شهادت رساندن هفت تن از مردم بیگناه توسط تروریستان در ولایت زابل

حداقل ۱۵۰ نفر به دنبال یک سلسله تیراندازی‌ها و بمب‌گذاری‌ها در پاریس کشته شده‌اند.

بیش از ۲۰۰ نفر هم در این حملات زخمی شده‌اند که به گفته خبرگزاری فرانسه حال ۹۹ نفر از آنها وخیم است.

گزارش شده که بیش از ۱۰۰ نفر در سالون کنسرت باتاکلان کشته شده‌اند.

دو انفجار در نزدیکی استدیوم ملی فرانسه و در جریان مسابقه میان دو تیم ملی فوتبال فرانسه و آلمان رخ داد و ده‌ها نفر کشته شدند. یکی از انفجارها در حالی رخ داد که فرانسوا اولاند؛ رئیس جمهوری فرانسه نیز در میان تماشاچیان مسابقه حضور داشت. وی به سرعت محل را ترک کرد و برای تشکیل جلسه اضطراری به وزارت کشور رفت. انفجار دوم نیز حدود ۱۵ دقیقه بعد اتفاق افتاد.

همزمان شش تیراندازی در نقاط دیگر شهر روی داد و سپس افراد مسلح با ورود به سالون کنسرت باتاکلان بیش از یک هزار و ۵۰۰ نفر را به گروگان گرفتند. گروگانگیری با دخالت پولیس پایان یافت و در جریان آن نزدیک به ۱۰۰ نفر به همراه چند مهاجم کشته شدند.

در تیراندازی‌ها در مرکز شهر و در یک رستورانت، شماری دیگر کشته شدند.

گزارش شده که هشت مهاجم کشته شده‌اند. پولیس گفته هفت نفر آنها پس از منفجر کردن کمربندهای انتحاری خود کشته شده‌اند.

فرانسه وضعیت اضطراری اعلام کرده و مرزهای خود را بسته است.

به ساکنان پاریس توصیه شده که خانه‌های خود را ترک نکنند.

نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از نیروهای ارتش در پاریس مستقر شده‌اند.

به گزارش خبرنگاران، پاریس به شهری تمام نظامی تبدیل شده و چهره یک قرارگاه نظامی را به خود گرفته است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، نخستین نتایج بررسی حمله های تروریستی پاریس حکایت از آن دارد که سه تن از تروریست ها در سالن کنسرت «باتاکلان» بر اثر انفجار انتحاری کشته شدند و چهارمین تروریست نیز در جریان حمله نیروهای امنیتی به سالون از پای درآمد.

سه عامل انتحاری مجهز به کمربند انفجاری نیز در «استدیوم فرانسه» و عامل انتحاری دیگری در بولوار «ولتر» در نزدیکی باتاکلان کشته شدند.

این برای نخستین بار در تاریخ فرانسه است که عملیات انتحاری در خاک این کشور صورت می گیرد.

کارشناسان می گویند که همه نشانه ها حاکی از آن است که حمله ها هماهنگ، هدفمند و تروریستی بوده اند.

داعش با انتشار اعلامیه ای مسؤولیت انفجارهای پاریس را بر عهده گرفت.

سراسر فرانسه و حتی کشورهای اروپایی و امریکا، در شوک به سر می برند. تحلیلگران می گویند که وضعیت به گونه ای است که تصور می شود تروریست ها جنگی جهانی بر علیه قدرت های بزرگ را آغاز کرده باشند.

داعش طی روزهای اخیر، مرتب دست به راه اندازی حمله های انتحاری در بیروت، عراق، یمن و پاریس زده است و در عین حال، با انتشار اعلامیه ای روسیه را تهدید به راه اندازی جویبار خون در خیابان ها در آینده ای بسیار نزدیک کرده است.

کارشناسان امور می گویند که همه این رویدادها بهم مرتبط است و نشان می دهد که خطری که تا دیروز از سوی غربی ها از جمله کشور فرانسه، نه تنها به شوخی گرفته می شد؛ بلکه آگاهانه فربه می گردید، چگونه قدرت زیرزمینی اش را تا درون قاره سبز و پایتخت های امن اروپایی گسترش داده است.

پیش از این، فرانسوا اولاند؛ رئیس جمهوری فرانسه و لوران فابیوس؛ وزیر خارجه این کشور، بارها با اذعان به اینکه نزدیک به ۲۰۰۰ شهروند فرانسوی برای براندازی بشار اسد در سوریه می جنگند، بر لزوم حمایت از آنها تاکید کرده بودند؛

اما به عقیده ناظران، حملات خونین پاریس نشان داد که این حمایت ها، به اندازه ای افراطی، متعصبانه و کورکورانه بوده که به سرعت دامن فرانسوی ها را گرفت و سراسر فرانسه را به سوگ و شوک فروبرد.

این نشانه ای آشکار از دوگانه رفتاری با تروریزم و ضدیت با نظام های مردم نهاد ضد تروریزم مانند دولت ملی سوریه است.

بشار اسد؛ رییس جمهوری سوریه، در

آینده، سرنوشت همه قدرت هایی است که داعش را فربه کردند، به آن سلاح، آموزش های نظامی، پول، امکانات کشورداری، تربییون های تبلیغاتی، نظام اداری و سیاسی و سیستم بانکی و اقتصادی دادند.

این وحشت به سرعت فراگیر خواهد شد. مار آستین پرورده داعش، دیگر اژدها شده است و قادر است ولی نعمت های دیروزش را نیز بلعد.

پاریس در خون، جهان در شوک تروریزم مرزها را درهم شکست



کارشناسان می گویند که این نگرانی وجود دارد که فرانسه در واکنشی غیر عقلانی، شبیه آنچه جورج بوش؛ رئیس جمهور جنگ سالار امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر نشان داد، بار دیگر تصمیم بگیرد، ائتلافی از کشورهای غربی را بر علیه یکی از سرزمین های اسلامی در خاور میانه راه اندازی کند. این در حالی است که تروریزم ریشه در سیاست ها و کنش های غیر منطقی و اشتباه آمیز دولت های غربی دارد.

پیش از این، فرانسوا اولاند؛ رئیس

جمهوری فرانسه و لوران فابیوس؛

وزیر خارجه این کشور، بارها با

اذعان به اینکه نزدیک به ۲۰۰۰

شهروند فرانسوی برای براندازی بشار

اسد در سوریه می جنگند، بر لزوم

حمایت از آنها تاکید کرده بودند؛

اما به عقیده ناظران، حملات خونین

پاریس نشان داد که این حمایت

ها، به اندازه ای افراطی، متعصبانه

و کورکورانه بوده که به سرعت

دامن فرانسوی ها را گرفت و سراسر

فرانسه را به سوگ و شوک فروبرد.

این تلنگری جدی برای همه حامیان تروریزم بین المللی از پاریس تا برلین و روم و لندن و واشنگتن و تل آویو و ریاض و انقره و ابوظبی بود؛ یک زنگ بیدارباش شوکه کننده و وحشت انگیز مبنی بر اینکه تروریزم، دوست قابل اعتمادی برای پیشبرد پروژه خاور میانه بزرگ، به آتش کشیدن سرزمین های عربی و اسلامی و آواره کردن میلیون ها ساکن بومی این سرزمین ها برای اهداف سلطه جویانه و منفعت اندیشانه غرب و مزدوران عرب و اسرائیلی و ترک آنها نیست؛ تروریزم دوست و دشمن نمی شناسد.

خبرگزاری فرانسه به نقل از وزیر خارجه عربستان اعلام کرد حملات پاریس نقض تمامی ادیان به حساب می آید. وزیر خارجه سعودی تصریح کرد جامعه جهانی باید تلاش های خود را برای مبارزه با «تروریزم»،

«یکپارچه» کند.

اما کارشناسان می گویند که این چیزی از اتهام های سنگین سعودی در حمایت از تروریزم نمی کاهد.

آنها می پرسند چه کسی مانع «یکپارچه» شدن تلاش ها برای مبارزه با تروریزم است؟ چه کسی از تروریزم حمایت می کند و تلاش های یکپارچه بر علیه آن را تجاوز به منطقه و مردم خویش می داند؟

سوریه است و تاکنون این گروه تروریستی به رغم قتل های عام ها و جنایت های فجیع علیه مسلمانان، حتی یک حمله کوچک نیز به اهداف صهیونیستی انجام نداده است!

فرانسوا اولاند؛ رئیس جمهور فرانسه از مقابل «باتاکلان» محل وقوع گروگانگیری پاریس اعلام کرد فرانسه بدون هیچ ترحمی به تروریزم پاسخ خواهد داد.

با این حساب، کارشناسان می گویند که این نگرانی وجود دارد که فرانسه در واکنشی غیر عقلانی، شبیه آنچه جورج بوش؛ رییس جمهور جنگ سالار امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر نشان داد، بار دیگر تصمیم بگیرد، ائتلافی از کشورهای غربی را بر علیه یکی از سرزمین های اسلامی در خاور میانه راه اندازی کند.

این در حالی است که تروریزم ریشه در سیاست ها و کنش های غیر منطقی و اشتباه آمیز دولت های غربی دارد.

شورای امنیت سازمان ملل نیز با محکوم کردن حملات پاریس، آن را وحشیانه و بزدلانه خواند.

رهبران جهان به شمول اشرف غنی؛ رئیس جمهور افغانستان و عبدالله عبدالله؛ رئیس اجرائیه بامداد شبیه حملات پاریس را محکوم کردند.

در خبرنامهٔ ریاست جمهوری آمده است که رئیس جمهور غنی حملات پاریس را «جنایت هولناک خواند.»

رئیس جمهور در این خبرنامه ضمن محکوم کردن این حملات تروریستی گفت:«تروریزم بین‌المللی با جنایات نابخشودنی به کشتار بی رحمانه و بزدلانه مردم بی گناه در سراسر جهان ادامه می‌دهند و کشتار بی رحمانه شهروندان پاریس نمایانگر این است که تروریستان مرز نمی شناسند و دشمن تمام بشریت می‌باشند.»

وی همچنین در نامه‌ای به رئیس جمهور فرانسه مراتب همدردی و تسلیت خویش را ابراز کرده است.

در این نامه آمده است:«مردم افغانستان بیشتر هر کشور دیگری از سال‌های زیادی بدینسو قربانی تروریزم هستند و درد و رنج مردم فرانسه را احساس می کنند و در غم و اندوه خانواده های قربانیان خود را شریک می‌دانند. مردم افغانستان در این روز سخت و دشوار در پهلوی مردم فرانسه ایستاده‌اند.» عبدالله عبدالله هم گفته است:«با تأسف فراوان این بار تروریستان انسان ستیز با انجام حملات تروریستی در جمعه شب گذشته، شماری از شهروندان فرانسه را کشته و مجروح کرده است.»

به گفته او «این حملات تروریستی و ضد انسانی را که خلاف ارزش‌های بشری و ادیان می‌باشد، تقبیح و به شدت محکوم می‌کنیم و این عمل را یک جنایت ضد بشریت و انسانیت می‌دانیم.»

حسن روحانی؛ رئیس جمهور ایران هم در پیامی به رئیس جمهور فرانسه این حملات را محکوم کرده و گفته است:«حملات تروریستی که منجر به کشته شدن افراد زیادی و زخمی شدن آنها شد، غم و اندوه بزرگی است.»

آقای روحانی افزوده است:«به نمایندگی از مردم ایران که قربانی تروریزم است، به شدت این جنایات ضد انسانی را محکوم می کنم و تسلیت مان را به حکومت و مردم فرانسه، ابراز می کنم.»

باراک اوباما؛ رئیس جمهور امریکا نیز گفت در این رویداد غم انگیز خود را با مردم فرانسه شریک می‌داند.

وی گفت:«زمانی که چنین رویدادهای هراس افکنانه صورت می‌گیرد همواره مردم فرانسه در کنار ما قرار گرفته‌اند، فرانسه یکی از متحدان ما در پیکار با هراس افکنی می‌باشد و ما در چنین زمانی در کنار مردم فرانسه و حکومت این کشور قرار داریم تا عاملان این رویدادها به کیفر برسند .»

دیوید کامرون؛ نخست وزیر انگلیس نیز گفت:«من از رویداد پاریس شوکه شدم. دعاهای ما با مردم فرانسه است و ما هرچه می توانیم، برای کمک انجام خواهیم داد.»

پاکستان نیز این حملات را محکوم کرده است. این کشور در خبرنامه‌ای گفته است که پاکستان این حملات «تروریستی» را محکوم می کند.

تاکید رئیس جمهور بر نقش شوراهای ولایتی در روند حکومتمداری محلی

رئیس جمهور غنی صبح دیروز با والیان، هیات اداری شوراهای ولایتی تمام ولایات، قوماندانان امنیه و روسای امنیت ملی دیدار و گفت و گو کرد.

به گزارش خبرگزاری آوا، در این صحبت که از طریق ویدیو کنفرانس انجام شد، رئیس جمهور کشور از آنان برای هماهنگی و همکاری سازنده، تقویت حضور حکومت در ولسوالی های نا امن، جلوگیری از غصب زمین ها، تدوین فهرست، ارقام و اندازه زمین های غصب شده و فهرست غاصبین و همچنان حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، تشکر کرد.

رئیس جمهور گفت که حکومت بخاطر بهبود مشارکت شوراهای ولایتی در امور انکشافی مطابق به قوانین نافذ کشور برنامه های مفید و موثری را در پلان ۱۰۰ روزه دوم ولایات گنجانده است.

رئیس جمهور غنی به اعضای شورا های

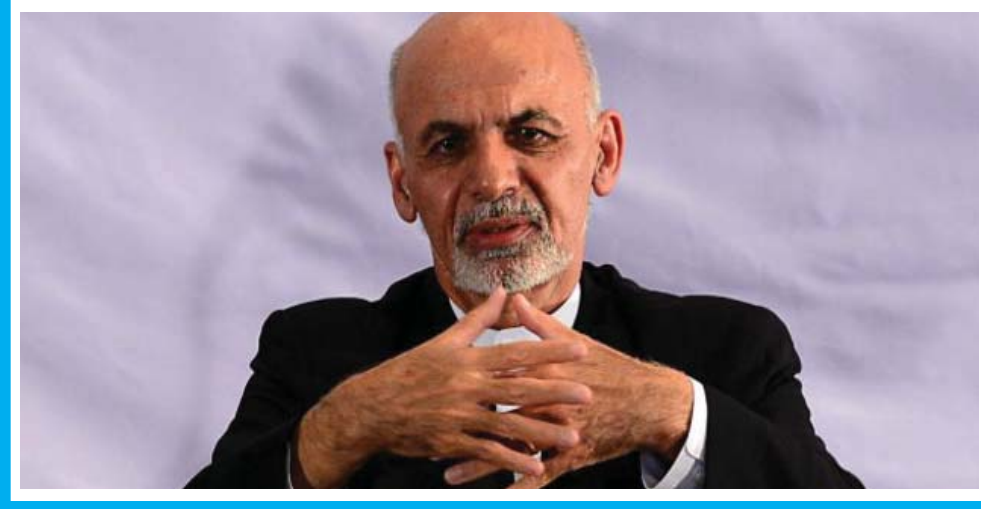
ولایتی اطمینان داده گفت که شوراهای ولایتی به عنوان نمایندگان مردم در روند حکومتمداری محلی نقش اساسی خواهند داشت. محمد اشرف غنی با اشاره به نقش نظارتی

نقش و صلاحیت نظارتی و حق مداخله در امور ادارات ولایت را ندارد و هر عضو شورای ولایتی که در امور ادارات ولایت اعمال نفوذ و مداخله نماید، مورد پیگرد

وظیفه دارد تا استقلال مالی شوراهای ولایتی را که در تعدیل پالیسی حکومتمداری محلی وضاحت داده شده است، نهایی سازد. رئیس جمهور گفت که تعمیرات ۱۵ شورای ولایتی تکمیل گردیده است و کار ساختمانی تعمیر ۶ شورای ولایتی جریان دارد و تلاش می کنیم تا کار ساختمانی تعمیرات برای شوراهای ولایتی ولایات دیگر نیز تکمیل گردد.

همچنان رئیس جمهور گفت که در بودجه سال ۱۳۹۵ برای تمام شوراهای ولایتی وسائط نقلیه نیز در نظر گرفته شده است و در آینده نزدیک با در نظر داشت قانون استخدام کارمندان خدمات ملکی شورا های ولایتی از تشکیل ولایت جدا و بطور مستقل در خدمت شورا های ولایتی خواهند بود.

رئیس جمهور با اشاره بر اینکه به اداره مستقل ارگانهای محلی هدایت داده است تا در قسمت استخدام افراد مسلکی و



شورای های ولایتی، گفت که هیچ فردی از

اعضای شوراهای ولایتی بصورت انفرادی

قانونی قرار می گیرد.

وی گفت که اداره مستقل ارگانهای محلی

جنبش عدالت خواهی و واکنش رهبران قومی

ادامه از صفحه اول / هیچگاه هوای قدرت و سیاست را در سر نپورند.

به نظر می رسد که گذشت زمان و آگاهی یافتن جوانان به مکرهای قرون وسطایی این رهبران، سبب شده که اندیشه جدیدی در اذهان شان خلق شود.

پاره ای از تحلیل گران اجتماعی اما؛ افزون به وجود حکومت پدر سالارانه طیف های یاد شده، به این باور هستند که جنبش اجتماعی ای که هم اکنون به راه افتاده است باید زودتر از این بوجود می آمد و اعتراض خود را نسبت به ناملایمات اجتماعی و فساد حکومت ابراز و اظهار می کرد. عواملی که هم اکنون سیل جمعیت را به خیابان های شهرهای کشور کشانیده است عقده های فرو خورده ای است که از سالیان گذشته تا هنوز در دل و دماغ مردم گره خورده و بهانه ای می طلبد که این عقده ها گشوده شود فریادهای فرو خفته به آسمان طنین افگند. آنچه که این جنبش عظیم مردمی را به حرکت درآورد. گذشته از آگاهی درونی که در روح و روان مردم ایجاد شده و درکی جدید که بوجود آمده است عوامل گوناگونی دیگری نیز باعث شده که این حرکت اجتماعی را شدت بخشد.

نخست این که حکومت افغانستان به وعده های زیادی که به مردم افغانستان داده بود عمل نکرد. با آن که بیش از یک سال از عمر این حکومت می گذرد، اندک گامی در راه تامین عدالت ننهاد، کوچک ترین قدمی در راه ایجاد اشتغال جوانان برداشته نشده است. کمترین توجهی به تامین حداقل زندگی مردم صورت نگرفته است. حتا هیچ برنامه ی مدونی از سوی حکومت ارایه نشده است تا مردم به آینده خود امیدوار باشند. هزاران جوان، مرگ را می پذیرند، راه مهاجرت را بر می گزینند تا به یک زندگی حداقلی دست پیدا کنند.

حکومت به جای آن که کاری انجام دهد و راه حلی پیدا کند، با سیاست مداران خارجی می نشیند و برای بازگشت جوانان کشور مذاکره می کند. مردم خواهان حداقل امنیت جانی هستند و حکومت وحدت ملی از تامین آن تا هنوز عاجز بوده است. اشرف غنی این وعده را به مردم داده بود که ایجاد امنیت در صدر برنامه های او قرار دارد اما در یک سال گذشته نه تنها مطالبات امنیتی مردم جامه عمل نپوشید که ناامنی هر روز جان شهروندان را می ستاند، شهرها و روستاهای کشور به کام ناامنی ها فرو می غلطد.

حرکت های سیاسی اشرف غنی نه تنها ایجاد امنیت نکرد که بر ناامنی ها افزود و میدان جنگ را از جنوب به شمال منتقل کرده است.

سیاست خارجی او در قبال پاکستان نتیجه معکوس داد. او دست دوستی به سوی حاکمان مرتجع سعودی گشود و با آنها همنوایی کرد که مردم افغانستان اعم از

بود که چه وقت جسد آنها را تحویل می گیرد. در حادثه جلیز که در تابستان گذشته اتفاق افتاد نیز حکومت جز فرستادن هیئتی هیچ کاری انجام نداد و از رهبران قومی نیز جز سکوت رضایت مندانه هیچ همدلی عملی به دید نرسید. زمانی هم که قندوز در دامن طالبان سقوط کرد، اشرف غنی با تمسخر و نیشخند در تلویزیون ها ظاهر شد و گفت که قندوز زیر مدیریت است! این گفته اشرف غنی به یک طنز در شبکه های اجتماعی تبدیل شد.

امروز هم با آنکه مصیبت های زیادی بر مردم وارد شده است، جوانان از بیکاری و ناامنی راهی کشورهای خارجی می شوند، حکومت هنوز هیچ سیاست مدونی در قبال این جوان ها ندارد و هیچ کس نمی داند که این حکومت مصروف چه کاری است و چه می خواهد انجام دهد. جنبشی که اکنون شاهد شکل گیری آن هستیم واکنش طبیعی در برابر حکومت فاسد و ناکار آمدی است که در برابر ریختن خون هزاران جوان و پیر این کشور سکوت کرده یا مشغول چانه زنی تقسیم قدرت است.

نگارنده را باور بر آنست که این جنبش بر رغم خواسته های سران قومی و تیکه داران قدرت، ادامه خواهد یافت. سرانجام به انحصار قدرت پدر سالارانه ی مسئولیت ناپذیر خاتمه خواهد بخشید. از واکنش منفی رهبران قومی نیز چنین بر می آید که این جماعت قدرت پرست، مردم را همانند گوسفند می دانستند و خود را شبان که هر گاه اراده کنند در بازار سیاست به داد و ستد آنها بپردازند و سود سیاسی کمایی کنند. اما به نظر می رسد که جنبش کنونی به این قدرت مداری های لجام گسیخته خاتمه دهد و افغانستان را به تدریج وارد مرحله جدیدی سیاسی کند. جنبش عدالت خواهی امروز طلسم قومی را شکسته است. کسانی که در خیابان های شهرهای افغانستان به حرکت درآمده اند فقط یک چیز می خواستند آن عدالت بود. عدالت واژه ای است که در قالب های تنگ قومیت نمی گنجد و عدالت خواهان خواهان استیفای حق انسانی خود هستند. این شعاری است که به مذاق حکومت گران و رهبران قومی خوش آیند نیست و آنها مردم را سر به زیر، بی اراده و فاقد هیچ حقی می خواهند که به فرمان آنها بدون در صندوق های رای گیری حاضر شوند برای آنها رای بریزند تا آنها در قدرت باقی بمانند. اما گویا زمان تغییر یافته است زمان پدر سالاری گذشته است، جامه عدالت در قامت قومیت چندان سازگار و ناهمگون است.

حال حکومت افغانستان با دو گزینه مواجه است یا صدای عدالت خواهان را بشنود، به خواسته های بر حق آنها تن در دهد با اقدام جدی به خواسته های مشروع آنها پاسخ گوید، یا آن که بدون هیچ خشونت ورزی به انتخابات زود هنگام رضایت دهد و زمینه انتخابات را فراهم آورد.

چهارم؛ حضور داعش در افغانستان بیش از یکسال است که بر سر زبان ها افتاده است. بارها منابع داخلی و خارجی از حضور داعش در افغانستان سخن گفتند، اما سیاست حکومت افغانستان در رابطه با حضور داعش گاه سکوت بود و داعش را خیالی می دانست، گاهی هم گفته می شد که حکومت افغانستان نیروهای ویژه ای را برای مقابله با داعش آماده ساخته است که در صورت ظهور داعش به سرکوب آن خواهد پرداخت. این ادعاهای ی گراف اما هیچ گاه به منصف ظهور نرسید، باشندگان برخی ولسوالی ها در شرق کشور توسط گروه داعش مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، افراد بی گناهی کشته شدند و خانه های شان توسط گروه داعش طعمه آتش شد. اما هیچ واکنش جدی ای از سوی حکومت دیده نشد و هیچ نیرویی برای سرکوب داعش گسیل داشته نشد. این خطر چنان جدی شد که برخی نمایندگان ولایت ننگرهار



گفتند؛ اگر حکومت حاضر نیست که از مردم ننگرهار دفاع کند آنها با نیروها بی که در اختیار دارند از خود و از مردم خود بدفاع خواهند پرداخت.

به هر حال حکومت نه تنها اقدامی صورت نداد که حکومت گران چنان سرگرم چانه زنی تقسیم قدرت بودند گویا فلسفه وجودی خود را فراموش کرده بودند که برای چه بوجود آمده اند و چه کاری باید انجام دهند. گاهی این گونه به نظر می آمد که جناح های حکومت چنان مشغول چانه زنی هستند که فرصت فکرکردن درباره امنیت جانی و روانی مردم را به کلی فراموش کرده اند. حادثه ای تلخی که در زابل رخ داد و افراد بی گناهی که به شهادت رسیدند یک رخداد خلق الساعه نبود که حکومت در جریان آن قرار نداشته باشد و از حضور داعش در آن ولایت اطلاع در دست نداشته باشد. حکومت هم از تعداد افراد داعش در زابل اطلاع داشت و هم پایگاه های داعش را می دانست که در کجای آن ولایت قرار دارد.

بنابراین جمعی که به شهادت رسیدند از مدت ها اسیر گروه داعش بودند، اما حکومت فقط نظاره گر و مترصد

شیعه و سنی، نه مذهب وهابیت را مطلوب می دانند و نه سیاست های حاکمان سعودی را سیاست انسانی به حساب می آورند. سعودی ها در اذهان مردم افغانستان همیشه همراه و پشتیبان طالبان بوده، دست سعودی ها را در جنایت های طالبان شریکی می دانسته اند و می دانند. دوم؛ در زمان حکومت غنی جنگ به شمال تسری یافت و سیاست های کجدار و مریز اشرف غنی سبب شد که قندوز سقوط کند و جنایت های هولناکی در آن ولایت صورت گیرد. به گفته بسیاری از آگاهان نقل و انتقال طالبان از جنوب به شمال زیر نظر او بود، شاید قصد و نیت او گسترش حاکمیت حکومتی به تمام نقاط کشور از طریق تضعیف رقبای خود بود اما نه تنها به این کار دست پیدا نکرد که شمال را به کانون حرکت های تروریستی تبدیل ساخت. امروز این پرسش بوجود آمده است که دست حکومت مرکزی و اشرف غنی و تیم او

در سقوط قندوز چقدر نقش داشته است؟

این پرسش از این جهت مهم است که سقوط قندوز را بدون اطلاع دستگاه امنیتی حکومتی نمی دانند. رئیس امنیت ملی در استجواب مجلس نمایندگان به صراحت هرچه تمام تر گفت که «حنیف اتمر با عملیات نظامی در قندوز و برخی مناطق اطراف آن شهر مخالفت می کرده است.»

سوم، تقویت بنیادهای قومی و ایجاد تفرقه از زمان حکومت کرزی آغاز یافت. کرزی آگاهانه و یا ناآگاهانه کوشید نهادهای مدنی را تضعیف کند، زمینه و بستر نهادهای قومی و ائتییکی را بیش از پیش فراهم آورد. این میراث به غنی رسید. اشرف غنی نیز تا توانست بر طبل قومیت کوبید، نهادهای ملی و مدنی را تضعیف کرد، با اصلاح کمیسیون انتخابات مخالفت ورزید. در نتیجه سبب شد که انتخابات پارلمانی به تعویق بیفتد و پارلمان به عنوان یک نهاد مدنی فاقد وجاهت قانونی و صرف بر اساس فرمان او به کار خود ادامه دهد. این حرکت اشرف غنی خلاف موازین قانون اساسی کشور و بر خلاف کار ویژه هایی است که قانون اساسی کشور به او سپرده است.